

عصر آزادی

روزنامه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، ورزشی و سیاسی

صاحب امتیاز: **مؤسسه مطبوعاتی پیمان**

مدیر عامل و مدیر مسئول: **سید فرید پیمان**

رییس هیئت مدیره و سر دبیر: **دکتر سید وحید پیمان**

لیتوگرافی و چاپ: **شاخه سبز**

گروه ۴ رتبه بندی معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
انتشار: ۴/۲۰۱۳

نشانی:

تهران – خیابان حافظ نرسیده به زیر گذر حسن آباد – پلاک ۹۷ – طبقه سوم

صندوق پستی: ۷۱۸۴-۱۵۸۷۵

آدرس تبریز: **خیابان المان،جنب بن بست یآوری**،

ساختمان آرکا ۱ طبقه اول

تلفن: ۰۴۱-۳۵۵۵۸۴۵۴

مسئول آگهی ها:۰۴۳۱۱۲۴۶۶۰۰۹

لینک تلگرام: [https:// telegram.me /asrazadi.ir](https://telegram.me/asrazadi.ir)

Email: asrazadi4@gmail.com

www.asrazadionline.ir

از آذر در سالن‌های سینما؛

«ویلاي ساحلي» رضا عطاران و پژمان جمشیدی تماشایی می‌شود

فیلم سینمایی «ویلاي ساحلي» به کارگردانی کیانوش عیاری و با بازی رضا عطاران و پژمان جمشیدی، آذر سال جاری اکران خود را در سینماهای سراسر کشور آغاز می‌کند.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از روابط عمومی فیلم، «ویلاي ساحلي» تازه‌ترین ساخته سینمایی کیانوش عیاری به تهیه‌کنندگی رضا رخشان است که در آن بازیگرانی چون رضا عطاران، پژمان جمشیدی و ریمارمین‌فر حضور دارند. بر اساس اعلام رضا رخشان این فیلم پس از اتمام مراحل فنی، آماده نمایش شده و قرار است طبق گفته تهیه‌کننده اکران خود را به شکل سراسری از آذرماه سال ۱۴۰۲ در سینماهای کشور آغاز کند. شرکت کنزاکس حامی مالی فیلم سینمایی «ویلاي ساحلي» است و پخش آن را فیلمران بر عهده دارد.

آغاز اجرای «آواز عاشقانه دختر دیوانه» از ۷ آبان در تئاتر شهر

نمایش «آواز عاشقانه دختر دیوانه» به کارگردانی مشترک آرونبد دشت‌آرای و مارین ون‌هولک از ۷ آبان در مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌رود.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از روابط عمومی کمیتهی فیلم و هنرهای

اجرائی ویرگول، نمایش «آواز عاشقانه دختر دیوانه» نوشته طلا معتمدی و کارگردانی مشترک آرونبد دشت‌آرای و مارین ون‌هولک از ۷ آبان با اجرای

محدود روی صحنه سالن اصلی تئاتر شهر می‌رود.

در این نمایش که با حمایت شرکت می‌ماس اجرا می‌شود؛ الناز شاکردوست، نوید پورفرج، خسرو سپاسی و مارین ون‌هولک به عنوان بازیگر ایفای نقش می‌کنند. همچنین گلناز گلشن به عنوان طراح لباس، آرونبد دشت‌آرای و شایلان عشاری به عنوان طراحان صحنه، مرضی نجفی به عنوان طراح نور، مونا جعفری به عنوان طراح گریم و علی کیانیان به عنوان آهنگساز و طراح صدای این اثر هستند.

نمایش «آواز عاشقانه دختر دیوانه» بر اساس رمان «پرش آبی» نوشته امیلی نوتوم و ترجمه وینا سامعی توسط طلا معتمدی نوشته شده است و از ۲۰۳۰ ساعت ۹۰ دقیقه و قیمت بلیت ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار تومان به صحنه می‌رود.

آشکار شدن نقاشی خیره‌کننده در مصر

باستان‌شناسان تصویر صحنه‌های **از سال نو مصریان باستان را روی سقف یک معبد ۲۲۰۰ ساله کشف کردند**.

به گزارش ایسنا به نقل از لایوساینس، گروهی از کارشناسان در جریان پروژه مرمت سقف «معبد اسنا» واقع در مصر یک نقاشی خیره‌کننده باستانی را آشکار کردند که ایزدان مصر باستان را در صحنه‌ای مرتبط با سال نو به تصویر می‌کشد. «معبد اسنا» که حدود ۲۲۰۰ سال پیش ساخته شده است، دو هزار سال پیش، یعنی زمانی که رومی‌ها کنترل مصر را بر عهده گرفتند، دست‌خوش بازسازی قابل توجهی قرار گرفته بود.

در این نقاشی ایزدان مصریان باستان از جمله «سوپدت» و «آتوکت» درحالی روی قایق به تصویر کشیده شده‌اند که «نوت» ایزدبانوی آسمان حین بلعیدن آسمان بالای سر آن‌ها به نمایش گذاشته شده است که بر اساس اسطوره‌شناسی مصر باستان صحنه‌ای از سال نو مصریان باستان را به تصویر کشیده است.

در این تصویر شخصیت «آریون» (شکارچی) به عنوان یک صورت فلکی به نمایش درآمده است. «سوپدت» نیز به عنوان ستاره «شایهنگ» به تصویر کشیده شده است. به گفته «گریستن لیتز»، استاد دانشگاه مصرشناسی در دانشگاه «توبینگن»، در آن سال به مدت ۷۰ روز در سال، آسمان شب مصر باستان غیرقابل مشاهده بود تا اینکه بار دیگر در شرق قابل مشاهده شد و به این ترتیب آن روز معادل سال نو مصریان باستان در نظر گرفته شد. رود نیل در آن زمان به صورت فصلی پرآب می‌شد و مصریان باستان بر این باور بودند که حدود ۱۰۰ روز پس از ظهور ستاره «شایهنگ»، «آتوکت» آب‌های سیل نیل را به عقب می‌راند.

«لیتز» با ارسال ایمیلی به «لایوساینس» اعلام کرد که سال نو مصریان باستان بر اساس تقویم امروزی ما در اواسط ماه جولای به وقوع می‌پیوست. این اثر هنری جدیدترین مورد از اکتشافاتی است که در «معبد اسنا» به‌دست آمده است. نقاشی‌های این معبد حدود ۲۰۰۰ سال از نظرها پنهان مانده بود. در پنج سال اخیر، محققان روند پاکسازی سقف و آشکار کردن مجموعه‌ای از تصاویر از جمله صورت‌های فلکی، ایزدان مصریان باستان و بیش از ۲۰۰ نوشته را آغاز کرده‌اند. به نظر نمی‌رسد که این معبد فقط برای یک ایزد یا ایزدبانوی مصریان باستان ساخته شده باشد و بررسی بیشتر این معبد اطلاعات بیشتری را درباره هدف و طراحی این مکان در اختیار باستان‌شناسان قرار خواهد داد.

با پاکسازی سقف این معبد، چندین نقاشی دیگر معبد نیز مرمت شد. تصویری از موجودی با سر قوچ، بدن شیر و چهار بال که نمادی از باد جنوبی است، از جمله نقاشی‌های مرمت‌شده این معبد است.

اکنون که مرمت سقف معبد به پایان رسیده است، محققان روند پاکسازی دیوارها و ستون‌های معبد را آغاز کرده‌اند.

هم‌زمان با سومین سالگرد درگذشت زنده‌یاد محمدرضا شجریان، دوستاناران او در خانه هنرمندان گرد هم آمدند و یاد او را گرامی داشتند.

به گزارش ایسنا، مراسم بزرگداشت سومین سالگرد درگذشت محمدرضا شجریان با حضور هنرمندانی همچون حمیدرضا نوربخش (خواننده)، داوود گنج‌های (نوازنده کمانچه)، آرش امینی (رهبر ارکستر)، علی جهاندار (خواننده)، یونس شکرخواه (روزنامه‌نگار)، غلامحسین امیرخوانی (خوشنویس)، داریوش پیرنیakan (آهنگساز)، عباس مجیدی (مجسمه‌ساز)، فاضل جمشیدی (خواننده) و … در خانه هنرمندان ایران برگزار شد.

شجریان؛ یکی از بزرگ‌ترین چهره‌های موسیقی در دنیای معاصر

در این مراسم که عباس سجادی اجرای آن را برعهده داشت، نخستین سخنران، قطب‌الدین صادقی (کارگردان و نویسنده) بود که در سخنانی گفت: فرهنگ ایران به جز ادبیات کلاسیک، چهار پرچم حیرتانگیز دارد که در دنیا مایه فخر این سرزمین است؛ موسیقی، نمایش، فرش، کاشی و معماری این چهار پرچم هستند. یکی از بزرگ‌ترین چهره‌های موسیقی در دنیای معاصر ایران، استاد شجریان است. به نظر من ایشان مصداق این جمله اُرتور شوپنهاور است که می‌گوید: «همه هنرها می‌کشند تا به پای موسیقی برسند؛ زیرا در موسیقی آنچه تعیین‌کننده و تأثیرگذار است قدرت تجردی آن است که سوا از محتوا و فرم می‌تواند با ناخودآگاه ما حرف بزند و با جان ما عجین شود.»

او ادامه داد: برای من مصداق این سخن شوپنهاور «رُتنا»ی استاد شجریان است. من جز کلمه رُتنا به دلیل فقر زبان عربی چیزی را نمی‌فهمم اما این اثر با جان شما حرف می‌زند؛ صرف نظر از اینکه شیعه، سنی و یا مسیحی باشید. آقای شجریان یک هنرمند یگانه است که سه ویژگی بزرگ دارد. اولین آن ادراک است؛ کسی که ادراک نداشته باشد، چیزی از هنر نفهمیده است. ولی تبحر و شناختی که شجریان در فرهنگ عمومی از فرهنگ مذهبی و سنتی گرفته تا ادبیات کلاسیک داشت، موجب می‌شد آشناری که می‌خواند بسیار ریشه‌ای باشد. یکی از دلایل تأثیرگذاری او همین ادراک نیرومند است.

این هنرمند تصریح کرد: دومین چیزی که در شجریان تشخیص دادم، تسلط فنی اوست؛ یعنی احاطه او بر دستگاه‌های نوین موسیقی، تحریرهای یگانه‌ای که داشت، او را شاخص‌ترین کرده بود. سومین نکته، احساس است. ادراک و تکنیک به تنهایی کافی نیست، یک غلظت عاطفی داشت که برآمده از غنای فرهنگ کهن و هزار ساله ما است و باعث شده که در زیر تمام ملودی‌هایی که می‌خواند یا زخمه‌های سازی که مهرباش می‌کرد، شدیدا تأثیر گذار باشد. آنچه که باعث شد این غنای عاطفی بسیار همه جا حاضر و تأثیرگذار باشد، ناشی از این بود که خود مرحوم شجریان سرد و گرم روزگار را شنیده بود. شما اگر در حافظه‌ه عاطفی خود احساسات درشت را تجربه نکرده باشید، نمی‌توانید در بازآفرینی هنری، آن را یک بار دیگر نشان دهید. به نظر من آقای شجریان دارای این سه ویژگی بسیار والا بود که توانست جایگاه بالایی برای خود در فرهنگ موسیقایی ایران به دست بیاورد.

آیین نکوداشت محمدرضا شجریان شکرخواه: شجریان از «مطرب» استاد ساخت!



همکاری با او را نداشتم ولی از جشن هنر سال ۵۲ که او را دیدم و تا زمانی که فوت کرد هر از چند گاهی در محافلی او را می‌دیدم. او یک مراقبت بزرگ در زندگی شخصی خود و یک رژیم فرهنگی حیرتانگیز داشت و شایسته این بود که به این مقام برسد. یاد است رازین فرهنگی فرانسه ما را دعوت کرده بود و داشتیم با او صحبت می‌کردم که چه شد که دوباره با لطفی کار می‌کند و او گفت: «هنوز از لطفی موزیسین تر نیست» و بعد همان‌طور که حرف می‌زد به من گفت که افرادی ندارد به تراس برویم؟ تعجب کردم سالتی بزرگ بود که خیلی از بزرگان فرهنگ و هنر هم بودند.

به خاطر دارم که پاییز بود و هوا کمی سرد بود. سوال کردم که چرا به اینجا آمدیم؟ گفت چند نفر آنجا سیگار می‌کشیدند. من همانجا یک باریکالی بزرگ گفتم. هنرمند یعنی این. مثل شاعر که اولین وظیفه او حراست زبان است، اولین وظیفه او نیز پاسداری از تنی بود که مرکز فضیلت و اندیشه بود و حتی برای چند سیگاری به هوای باز رفت.

صادقی ادامه داد: به خاطر دارم آقای شجریان در اصفهان کنسرتی در عالی‌قاپو داشت که سفیر فرانسه او را دعوت کرده بود و مقابل همه مهمان‌ها شروع به ستایش او کرد و کلماتی که استفاده می‌کرد اقتدر با احترام و مهر بود که من در ترجمه آن کلمات کم آوردم. سپس خود آقای شجریان شروع به صحبت کرد و اقتدر با فروتنی و تواضع صحبت کرد که باز هم من کم آوردم. می‌خواهم بگویم در دو مرحله، هم در سنتایش و هم پاسخش چه دنیای وصف نشدنی‌ای وجود داشت. آقای شجریان اصالت فرهنگی داشت و این اولین فضیلتی بود که او داشت. یک فضیلت مثال‌زدنی. توانایی فنی حیرت انگیز و مقام اجتماعی هم دیگری‌شاخصه‌های او بود.

شجریان از «مطرب» استاد ساخت

یونس شکرخواه (رپر روزنامه‌نگاری مدرن ایران) نیز در ادامه این مراسم در سخنانی بیان کرد: من فکر می‌کنم یکی از بزرگ‌ترین اتفاقاتی که برای موسیقی ایران رقم خورد، این بود که آقای شجریان کشیدگی دامن موسیقی را از یک پدیده سمعی خارج کرد. شاید در یک تاریکی مطلق این اتفاق صورت گرفت که اساسا ارتباطی به صورت بصری

به بیان دو خاطره پرداخت و گفت: من هیچ‌وقت شناس

ایرانیان از چه زمانی به انتظار گودو نشستند؟

کشف داود رشیدی، همچنان جذابیت دارد



کزدان روی صحنه برسد. آنان ابتدا نمایش را در انجمن ایران امریکا روی صحنه بردند و بعد هم به پیشنهاد نجف دریابندری و موافقت احمد شاملو و دوستانش، نمایش به مدت ۳ شب در برنامه «شب‌های شعر» مجله «خوشه» اجرا شد که در اجرای آن ۱۲۰ شاعر معاصر ایران نظیر هوشنگ ابتهاج، فریدون مشیری و محمدعلی سیالو حضور داشتند.

این نمایش در آن دوران با نقدها و نقطه نظرات مثبتی از سوی چهره‌های فرهنگی و هنری نظیر رضا برهانی و جلال آل احمد همراه شد و بزرگ‌ترهای تئاتر که این اجرا را دیده‌اند، می‌گویند همچنان آونگارترین اجرای بوده که از اثر بکت در ایران روی صحنه رفته و نقطه عطفی در تاریخ تئاتر مدرن ایران بوده است.

تا مدت‌ها خبری از «در انتظار گودو» نبود تا اینکه حدود ۳۰ سال بعد یعنی نیمه دوم دهه هفتاد، اجرای دیگر از این نمایشنامه روی صحنه رفت.

اواخر سال ۱۳۷۷ وحید رهبانی، یکی از بازیگران جوان آن مقطع که هنوز ۲۰ سالگی نداشت، این نمایش را بر اساس ترجمه نجف دریابندری در مجموعه تئاتر شهر روی صحنه برد.

در این اجرا رضا مولایی، سید مجتبی طباطبایی بصیر، مهدی حسینی بجنستانی، محمدرضا جوزی، مریم داوری به ایفای نقش پرداختند.

بر خلاف آمریکا:

«قاتلان ماه کامل» در سینماهای جهان فروخت

جدیدترین فیلم مار تین اسکورسیزی با اکران در سینماهای جهان پر فروش ترین فیلم شد.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از ورایتی، «قاتلان ماه کامل» جدیدترین فیلم مار تین اسکورسیزی که از پنجشنبه اکران شده است گرچه در آمریکا نتوانست در صدر جدول فروش بنشیند، اما پر فروش ترین فیلم سینماهای جهان شد. فیلمی مستند از تور یک خواننده موسیقی در سینماهای آمریکا همچنان جایگاه شماره یک فروش آمریکا را در اختیار دارد اما در بازار جهانی این فیلم از «قاتلان ماه کامل» جلا ماند و فیلم اسکورسیزی با فروش ۲۱ میلیون دلاری بازار جهانی را از آن خود کرد.

این فیلم که در ۶۲ منطقه بین المللی اکران شده از بازی لئوناردو دی کاپریو

وجود نداشت. او موضوع را از حالت حس شنیداری وارد حوزه هنر کرد. او تأکید شدیدی بر تقدم معنا پر فرم داشت. او انسانی چند بعدی بود و به همین سبب هم دوستان مختلفی از حوزه‌های مختلف داشت.

او ادامه داد: آقای شجریان رعایت مخاطب داشت و بی‌دلیل با تحولات اجتماعی همراه نبود. شاهد بودم یک بار در ساناد چک حتی روی دو صندلی آخر سالن نشست و صدرا را چک کرد. او همه جنبه مخاطب را در نظر می‌گرفت. آقای شجریان فرامتن را خوب درک می‌کرد و این باعث می‌شد موقعیت‌ها را به مقصد تبدیل کند. او به مقصد رسید و تردید نکرد. او فهمید که متن باید و فرامتن و حاشیه‌ی گره بخورد. «مرغ سحر» وقتی موفق شد که مخاطب به متن گره خورد. او فهمید راه سختی را جلو می‌رود و توانست از «مطرب» استاد بسازد؛ استاد محمدرضا شجریان!

شجریانی که مکانیک هم بود

غلامحسین امیرخانی نیز که سال‌ها سابقه رفاقت با محمدرضا شجریان را داشته است، گفت: ما در تمام عرصه‌ها صاحب گنج‌هایی هستیم که اگر فرصت داده شود در هر عرصه‌ای به قلعه‌های بلند می‌رسیم. من به سهم کوچک خودم به عنوان یک خادم هنر، می‌گویم که باید قدر خودمان را بیشتر بدانیم. حال این قدرشناسی در درجات و عرصه‌های مختلفی قابل بهره‌روری است. ما باید چنین برنامه‌های هنری را بیشتر کنیم و تنها منتظر یک موعد و تاریخ نباشیم؛ زیرا هر تاریخ و هر روز ما به قدری درخشان است که می‌توان به یک هنرمند و اهل ادب و فرهنگ تخصص داد. می‌توانیم ۳۶۵ نشست در یک سال داشته باشیم، کدام کشور هست که به اندازه تمام روزهای سال چهره‌های بزرگ و جهانی داشته باشد؟

او همچنین با بیان خاطراتی از شجریان صحبت خود را به اتمام رساند و گفت: با خانواده گاه توفیق این را داشتیم که آقای شجریان به منزل ما در طالقان می‌آمدند. روزی یک کسی از همشهریان ما دسترسی به مکانیکی نداشت آمد و گفت: «شنیده‌ام هممان دارید؛ شاید یکی از آنها مکانیکی بلد باشد، ماشین من خراب شده است». در همین حین من فکر می‌کردم که چه کمکی می‌توان کرد که شجریان فورا گفت من بldم و مهلت نداد و یک ساعت بعد با دستان چرب و سیاه آمد.

امیرخانی ادامه داد: روزی دیگر هم به پیکنیک با خانواده در طالقان رفته بودیم. عصر که می‌خواستیم برگردیم، اتومبیل حدود ۱۰۰ متری جلوتر پارک شده بود و باید باقی راه را پداه می‌رفتیم. به همین جهت وسایل را بسته‌بندی کردیم و جوان‌ها بردند. رختخوابی که بزرگ‌تر بود را روی دوش گرفت و رفت. یک جا به یک سربالایی تند رسیدیم شروع کرد به خواندن یک غزل که آدم در حالت عادی به سختی می‌خواند. مقصودم این است که بگویم او همیشه درصدد این بود که خودش را روی ترازو بگذارد و خود انتقادگر دقیقی بود و پیش از اینکه کسی از او نقد کند خودش این کار را می‌کرد. او اصلا به دنبال خودنمایی نبود. او شاکردی هنر را کرد و به معنای واقعی دین خود را به هنر ادا کرد.

در پایان این رویداد از سردیس محمدرضا شجریان که توسط مریم نجفی ساخته شده است، رونمایی شد.

اما به فاصله چند سال بعد، تابستان سال ۱۳۸۳ علی اکبر علیزاد، کارگردان و مدرس تئاتر نیز اجرایی دیگر از این نمایش را روی صحنه برد. او برای این اجرا خودش متن نمایشنامه بکت را ترجمه کرد که ترجمه او از سوی نشر «بیدگل» منتشر شد. از آنجاکه علیزاد در آن مقطع با گروه تئاتر «لیبو» همکاری داشت، این نمایش را به عنوان کاری از این گروه با بازی رضا پهبودی، سعید چنگیزیان، خسرو محمودی، محمدحسن معجونی در تالار اصلی مولوی روی صحنه برد.

این نمایش اجرایی طنزآمیز داشت.

همایون غنی‌زاده، دیگر کارگردانی است که علاقه‌ای خاص به این متن بکت دارد. او تاکنون دو بار نمایشنامه « در انتظار گودو» را اجرا کرده است.

غنی‌زاده که به گفته خودش با خواندن این نمایشنامه تصمیم می‌گیرد به دانشکده هنر برود و در رشته تئاتر درس بخواند، اولین بار سال ۱۳۸۲ این نمایشنامه را در تالار خانه خورشید معجونی تئاتر شهر اجرا کرد.

این نمایش در آن مقطع با بازی جواد نمکی، هومن شایهنگ، حمیدرضا میرلطیفی، همایون غنی زاده روی صحنه رفت اما «گودو» دست از سر این کارگردان جوان برد نداشت و وسوسه اجرای دوباره آن همچنان با او ماند تا اینکه بعد از گذشت بیش از ۱۰ سال بعد یعنی زمستان سال ۹۲ بار دیگر این نمایش را اجرا کرد. این اجرا هم در مجموعه تئاتر شهر روی صحنه رفت منتها در تالار اصلی این مجموعه و با بازی پیمان معادی، علی سربابی، رضا پهبودی و رامین سیارداشتی.

در گرماگرم دوران سخت کرونا و در شرایطی که هنرمندان حرفه‌ای انگشت شماری، دست به اجرای نمایش می‌زدند، امیررضا کوهستانی، یکی دیگر از کارگردانان خوش فکر تئاتر «در انتظار گودو» را برای اجرا انتخاب کرد. هرچند در نمایشنامه اصلی همه کارکترها مرد هستند، او اما این نمایش را بازی بازیگران زن اجرا کرد.

کوهستانی تابستان سال ۱۳۹۹ نمایش خود را در فضای باز باغ کتاب و با بازی لیلی رشیدی، الهام کردا، مهین صدری، مونا احمدی و چند معضومی اجرا کرد. نکته جالب در اجرای این نمایش این بود که لیلی رشیدی نقشی را در این نمایش اجرا کرد که ۵۳ سال پیش پدرش که داود رشیدی این را ایفا کرده بود.

هر دو آنان در این نمایش نقش «دی‌دی» را بازی کردند. این گزارش نگاهی داشت به بخشی از اجراهای «در انتظار گودو» در ایران که در فضاهای حرفه‌ای روی صحنه رفته است. در کنار اینها شمار زیادی از دانشجویان تئاتر نیز این نمایش را در رویدادهای دانشجویی اجرا کرده‌اند که در این گزارش به آن پرداخته نشده است.

و رابرت دنیرو بهره گرفته و درامی جالبی درباره کشته شدن اسرارامیز قبيله سرخپوست اوسج در آمریکااست که به دلیل کشف نفت در سرزمین هایشان دچار مصیبت شده است.

«قاتلان ماه کامل» در بازار داخلی آمریکا ۲۳ میلیون دلار فروخت و در مجموع فروش را با رقم ۴۴ میلیون دلاری در ۳ روز نخست اکرانش شروع کرد. خارج از آمریکا بیشترین استقبال از این فیلم در بریتانیا صورت گرفت که مردم ۳ میلیون دلار برای تماشايش بلیت خریدند. در فرانسه ۲.۶ و در آلمان هم ۱.۶ میلیون دلار بلیت فروخته شد. این فیلم در افتتاحیه خود ۲۵ درصد جلوتر از «خانه گوجی» ظاهر شده که در نهایت کارش را با فروش ۹۹.۴ میلیون دلار تمام کرد.

